

خطاهای شناختی در همسرگزینی

شایسته اکبرزاده^۱

حسین مهدی زاده^۲

چکیده

همان‌گونه که اصل ازدواج و تشکیل خانواده برای جوانان ضرورت دارد، دقت در انتخاب همسر مناسب نیز امری ضروری و حیاتی است؛ با این وجود برخی افراد در انتخاب همسر، دچار خطاهای شناختی می‌شوند که بر فرایند همسرگزینی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و منجر به یک انتخاب نامناسب می‌شود. خطای هاله‌ای، خطای تعصب، خطای نادیده‌انگاری حقایق، خطای ناروا مسئولیت‌دهی، خطای کامل‌گرایی، خطای مقایسه‌های کاذب، خطای خودفریبی، خطای پیش‌داوری و غرض‌ورزی‌ها، خطای خرافاتی، خطای زودباروری و خطای انتخاب یک فرد به نیت فراموش کردن یک فرد دیگر، از مهم‌ترین خطاهای شناختی در همسرگزینی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی کوشیده است به بررسی خطاهای شناختی در همسرگزینی که یکی از انواع خطاهای همسرگزینی است، بپردازد.

واژگان کلیدی: ازدواج، همسر، همسرگزینی، خطا، خطاهای شناختی.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ اخلاق و تربیت جامعه الزهراء (ع)، (نویسنده مسئول)، قم، ایران shakbarz21@gmail.com

۲. استاد جامعه الزهراء (ع) و عضو گروه پژوهشی فقه جامعه و فرهنگ مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران.

hmahdai123@gmail.com

مقدمه

نقطه آغازین شکل‌گیری نهاد مقدس خانواده، ازدواج است. (به‌پژوه، ۱۳۸۸، ص ۲۴) ازدواج، پیوندی مقدس و بنایی محبوب نزد خداوند است، (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۲۲) اما هسته اصلی ازدواج که قوام و موفقیت زندگی مشترک را تضمین می‌کند؛ انتخاب و گزینش همسر است. انتخاب همسری مناسب، رکن اساسی زندگی، آینده و سرنوشت هر شخصی است (پورحسینی، ۱۳۹۲، ص ۵۶) تا آنجا که اگر به طور طبیعی و متعارف گذر عمر را بررسی کنیم، بیش از دو سوم آن با همسر سپری می‌شود. (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۰، ص ۱۶) بنابراین شاید بتوان انتخاب شریک زندگی را مهم‌ترین انتخاب زندگی نامید؛ چرا که اگر انتخاب درست باشد و فرد ازدواج موفق داشته باشد، می‌تواند به اهداف دیگر زندگی خود دست پیدا کند و اگر با انتخاب نادرست درگیر یک زندگی پر تنش شود، در دستیابی به سایر اهداف زندگی نیز با سختی مواجه می‌شود (شیخ‌الاسلام، ۱۳۹۵، ص ۵) و به احتمال زیاد زندگی آینده‌اش با ناهمواری‌های فراوانی روبه‌رو خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که یا باید با نزاع و کشمکش‌های همیشگی دست و پنجه نرم کند یا زندگی‌اش به طلاق منجر می‌شود.

امروزه آمار و ارقام نزاع‌های خانوادگی و طلاق تقریباً در بیشتر جوامع به حد نگران‌کننده‌ای رسیده است (ساداتیان و آذر، ۱۳۸۹، ص ۷) که یکی از مهم‌ترین علت‌های وقوع آن، انتخاب اشتباه و نامناسب است. (ملک محمد، ۱۳۹۵، ص ۱۵) یکی از عواملی که می‌تواند سهم بسزایی در انتخاب اشتباه داشته باشد، خطاهایی است که فرد در مسیر همسرگزینی به آن دچار می‌شود. بنابراین دختر و پسر برای انتخاب همسر باید مواظبت و دقت کنند که از خطا مصون بمانند. پیامد خطاهای خواسته یا ناخواسته دختران و پسران در انتخاب همسر، تشکیل خانواده‌ای توأم با ناراحتی و اختلاف خواهد بود و چه بسا به طلاق می‌انجامد. (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۰، ص ۳۰) خطاهای همسرگزینی انواع مختلفی دارد که از جمله آن‌ها خطاهای شناختی، عاطفی و رفتاری است؛ چرا که «انسان دارای سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری است» (ر.ک: گروه نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۲۲۱) و ممکن است در هر یک از این ابعاد دچار خطا شود. خطاهای شناختی، از جمله خطاهایی است که فرد در مقوله

شناختی و حین تصمیم‌گیری نهایی در مسیر انتخاب همسر ممکن است به آن دچار شود. نگرش‌ها و طرز تفکر منطقی و غیرمنطقی افراد در انتخاب همسر هنگام ازدواج، یکی از فاکتورهای بسیار مهمی است که می‌تواند ازدواج را با موفقیت یا شکست مواجه کند؛ (اسدی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۲۹) زیرا باورهای نادرست و غیرمنطقی افراد درباره ازدواج بر فرایند تصمیم‌گیری ازدواج و نوع رابطه‌ای که آن‌ها با هم برقرار می‌کنند، تأثیرگذار است (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۳۷) و تحریف‌های شناختی یا خطاهای تفکر با هیجان‌های منفی در ارتباط هستند و موجب اختلال در پردازش اطلاعات می‌شوند و فرد را از دستیابی به اطلاعات ناب محروم می‌کنند (همان، ص ۲۷۴) بنابراین اگر چه یک ازدواج خوب به ملاک‌های انتخاب بستگی دارد، اما داشتن دیدگاه درست، استدلال منطقی و برنامه مناسب در زندگی نیز می‌تواند زمینه را برای یک ازدواج خوب فراهم کند. (جان‌بزرگی، ۱۳۹۷، ص ۲۸) متأسفانه نگرش‌ها و عقاید خاصی در جامعه امروز رواج یافته است که موجب ناامیدی و نارضایتی در فرایند انتخاب همسر می‌شود. آگاهی افراد از نگرش‌ها و شیوه تفکر و عقیده‌شان درباره انتخاب همسر و در پیش گرفتن نگرش منطقی و واقع‌بینانه، می‌تواند در داشتن ازدواج موفق آن‌ها نقش بسزایی داشته باشند. (اسدی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۲۹) زمینه‌های ذهنی برخی افراد از ازدواج و انتظاراتی که در ذهن‌شان نقش بسته است که احتمالاً به طور کامل از آن‌ها آگاه نیستند و می‌تواند ریشه در واقعیت نیز نداشته باشد، (ر.ک: جان‌بزرگی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۹) موجب می‌شود در مسیر انتخاب همسر یا انتخاب عروس و داماد - چه به طور آگاهانه و چه ناآگاهانه - دچار خطاهایی شوند که نتیجه آن، انتخابی نامناسب و چه بسا خطرناک است. خطاهای همسرگزینی انواع مختلفی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به خطاهای هاله‌ای، تعصب، نرمش و تساهل، آرمانی، خرافی، عاشقانه و خودفریبی اشاره کرد. (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۰)

در اغلب موارد افراد متوجه خطاهای خود نیستند و هنگامی که پس از ازدواج متوجه می‌شوند به دلایل نادرستی ازدواج کرده و ملاک‌های دیگری برای ازدواج داشته‌اند که نادیده گرفته‌اند، درصد گرایش به طلاق در وجودشان افزایش می‌یابد. (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۷۷)

ازدواج برای فرار از خانه، ازدواج برای پر کردن خلأهای ناشی از خانواده مبدأ، اجبار خانواده برای ازدواج، ازدواج از سر دلسوزی، قبول ازدواج به خاطر حرف دیگران، (همان) شتاب یکی از طرفین برای تسریع در برگزاری مراسم ازدواج که موجب می‌شود امر تحقیق مورد بی‌توجهی قرار گیرد و انتخاب با کمترین تحقیق لازم سر بگیرد، (حسین خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸)، شناختن از طریق برقراری رفاقت، زودباوری، پیش‌داوری‌ها و غرض‌ورزی‌ها و نیز داشتن شخصیت وسواسی که یکی از موانع شناخت مطلوب فرد است، (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۲) می‌تواند زمینه‌های طلاق در آینده را پیش‌بینی کند. (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۷۷) در فرایند آشنایی نیز ممکن است چند اشتباه بزرگ همچون نپرسیدن سؤالات کافی، نادیده گرفتن نشانه‌های هشداردهنده و تردیدها، سازش‌های عجولانه، تقدم تفاهم بر علاقه و محبت، باور به اینکه او را تغییر خواهیم داد، باور به اینکه پس از ازدواج مشکلات کم می‌شود و تقدم تعهد بر تفاهم برای طرفین رخ دهد. (همان، ص ۳۹). برگزیدن شریک زندگی نامناسب، نتیجه انحراف در معیارهای ازدواج است که انتخاب نادرستی را رقم می‌زند. ازدواج گاهی برای جلب رضایت خانواده و یا اطرافیان و گاهی با هدف بهره‌کشی مانند نگهداری از فرزندان ازدواج اول، انجام امور منزل و ... صورت می‌گیرد؛ بی‌توجه به اینکه برای انجام این امور می‌توان از افراد دیگری نیز استفاده کرد. (داودی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۶۱)

ازدواج باید به نیت ازدواج انجام شود، نه نیت دیگری. همان‌گونه که ازدواج به نیت رقابت و چشم و هم‌چشمی اشتباه است، ازدواج به نیت فرار از محیط خانواده نیز خطاست. ازدواج به این نیت می‌تواند فرد را از چاله به چاه بیندازد؛ زیرا فردی که ازدواج می‌کند تا از محیط خانه فرار کند، نمی‌تواند آن‌گونه که باید، معیارها را در نظر بگیرد و همسر مناسب خود را انتخاب کند. از این‌رو شاید به صورت موقت از محیط خانواده راحت شود، اما در واقع گرفتار بلای بزرگتری می‌شود. (ر.ک: عباسی‌ولدی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷)

با توجه به مطالعات و کاوش در منابع مختلف، یکی از مطالب مورد غفلت که به طور مجزا نیز در هیچ کتاب یا مقاله‌ای به آن پرداخته نشده است، خطاهای شناختی در همسرگزینی است. تنها تعداد محدودی از منابع به طور اجمالی با عناوینی همچون

خطاهای همسرگزینی، انحراف از ملاک‌های همسرگزینی، دلایل نادرست ازدواج، موانع تحقیق و شناخت طرف مقابل به این مسئله اشاره کرده‌اند. بنابراین هدف این پژوهش، پرداخت به این موضوع با نگاهی مستقل و تحت عنوانی مجزا و اصلی و پاسخ به این سؤال است که خطاهای شناختی در همسرگزینی چیست؟

خطاهای شناختی

خطاهایی همچون خطای هاله‌ای، تعصب، نادیده‌انگاری حقایق، ناروا مسئولیت‌دهی، کامل‌گرایی، مقایسه‌های کاذب، خودفریبی، پیش‌داوری و غرض‌ورزی‌ها، خرافاتی، زودباروی و انتخاب یک فرد به نیت فراموش کردن فردی دیگر، از جمله خطاهای شناختی در همسرگزینی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. خطای هاله‌ای

خطای هاله‌ای یا اثر هاله‌ای در علم روان‌شناسی، به نوعی خطا در ادراک، شناخت و تصمیم‌گیری گفته می‌شود که تحت تأثیر ذهنیت قبلی قضاوت‌کننده شکل می‌گیرد و می‌تواند از حقیقت به دور باشد. برای مثال وقتی ذهنیت معلمی نسبت به دانش‌آموز منفی باشد و او را فرد تنبلی بداند، در برخوردهای بعدی نیز ممکن است این پیش‌داوری بر قضاوت او تأثیر بگذارد. تأثیر خطای هاله‌ای در قضاوت‌کننده می‌تواند متناسب با تصویر ذهنی قبلی، مثبت یا منفی باشد. (آسایش و وکیلی، ۱۳۹۵، ص ۲۴۳) بنابراین اگر دختر یا پسر تحت تأثیر یک عامل مبادرت به ازدواج کنند و سایر عوامل را نادیده بگیرند، آن را خطای هاله‌ای می‌گویند. خطای هاله‌ای مترادف با اصل یک‌سونگری است که انتخاب همسر بدون در نظر گرفتن همه عوامل و تنها تحت تأثیر یک عامل برجسته انجام می‌گیرد. (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۰) برای مثال بسیاری از افراد در انتخاب همسر متأثر از عواملی همچون پول، ثروت خانوادگی، قدرت و نفوذ فرد، شغل، شهرت و زیبایی او هستند و فکر می‌کنند که این عوامل در انتخاب آن‌ها تأثیری ندارند، اما در واقعیت چنین چیزی کمتر دیده می‌شود.

اگر چه باید میان دو نفر از نظر عوامل گفته شده، شباهت‌هایی وجود داشته باشد تا آن‌ها با هم ازدواج کنند؛ اما داشتن شباهت با تحت تأثیر این عوامل قرار گرفتن متفاوت است. رابطه‌ای که تنها به دلیل مسائل اقتصادی و مادی شکل می‌گیرد، رابطه‌ای ناسالم است؛ (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۴۵) زیرا اگر چه این معیارها می‌توانند برخی امور زندگی را تسهیل و جذابیت بیشتری ایجاد کنند، اما تأکید وسواس‌گونه بر این نشانه‌ها و امتیازها می‌تواند موجب خدشه‌دار شدن عشق شود. بنابراین برای انتخاب ابتدا باید فرد را به خاطر خودش دوست داشت و این علاقه در اولویت است؛ (شمیسا، ۱۳۹۴، ص ۲۶۳) چنانکه خداوند درباره چشم‌نداشتن به داشته‌های دیگران فرموده است: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» (طه: ۱۳۱) و زنه‌ار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود را مدوز و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است».

گاهی زیبایی طرف مقابل، شهرت وی یا خانواده‌اش در اذهان عمومی مانند هنرپیشگان تلویزیون و سینما، ورزشکاران و خوانندگان و یا دارا بودن منصب و عنوان شغلی همچون دکتر، مهندس، استاد دانشگاه و نیز برخورداری از قابلیت‌های خاصی چون مهارت در نوازندگی، امور فنی و یا درس به اندازه‌ای بزرگ جلوه می‌کند که موجب می‌شود فرد از پرداختن به سایر خصوصیات شخصیتی طرف مقابل غافل بماند. فردی که با چنین شرایطی مواجه می‌شود، باید به این نکته نیز توجه داشته باشد که این ویژگی‌ها تا کی می‌تواند برایش جذاب باشد. در نهایت این موارد روزی عادی می‌شود. بنابراین اگر چه ویژگی‌های ذکر شده به خودی خود خوب هستند، ولی به تنهایی کارایی لازم برای زندگی را ندارند. (ر.ک: ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۳۸)

در یک نظرسنجی انجام شده توسط بنیاد خانوادگی کایرز^۱ هفت درصد از بزرگسالان گفته‌اند که شخصی در خانواده‌شان در سال‌های گذشته برای به دست آوردن تضمین مالی ازدواج کرده است. اگر وصلت بیشتر به دلیل منافع باشد تا رابطه، هشداردهنده است؛ (نوکس و اسکاج، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۵۷) چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً

۱. یک گروه تحقیقاتی سیاستگذاری سلامت.

لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا جَمَاهَا لَمْ يَرَ فِيهَا مَا يُحِبُّ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَا هِيَ لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ فَعَلَيْكُمْ بَذَاتِ الدِّينِ؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۵۰؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۸۸) هر که با زنی به خاطر زیبایی‌اش ازدواج کند، دلخواه خود را در او نبیند و هر که با زنی به خاطر مال و ثروتش ازدواج کند، خداوند او را به همان مال و ثروتش واگذارد؛ پس بر شما باد [ازدواج با] زنان متدین».

در واقع افرادی که فقط بر اساس مادیات همسر آینده خود را انتخاب می‌کنند (اثنی عشری، ۱۳۸۶، ص ۵۹) و ازدواج را با تجارت اشتباه می‌گیرند (شمیسا، ۱۳۹۴، ص ۴۸) از عالم درون فاصله گرفته‌اند و با اموال همسر ازدواج می‌کنند و از آنجا که مادیات احساس ندارد، زندگی آن‌ها نیز خالی از عشق و احساسات و زندگی‌شان، زندگی با یک ربات است. از آنجا که این افراد نه تنها زندگی خود را به جهنم تبدیل می‌کنند؛ بلکه فرد دیگری را هم با خود شریک می‌نمایند، افراد باید مراقب باشند و خود را از شر چنین افرادی محفوظ بدارند. طبیعی است وقتی فردی همسر آینده خود را فقط بر اساس «مادیات» و نه بر اساس «معنویات» انتخاب می‌کند، به رابطه نادرستی نیز وارد می‌شود؛ (اثنی عشری، ۱۳۸۶، ص ۵۹) چنانکه رسول خدا ﷺ نیز فرموده است: «لَا تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ لِحُسْنِهِنَّ، فَعَسَى حُسْنُهُنَّ أَنْ يُرْدِيَهُنَّ وَلَا تَزَوَّجُوهُنَّ لَأَمْوَالِهِنَّ، فَعَسَى أَمْوَالُهُنَّ أَنْ تُطْغِيَهُنَّ وَلَكِنْ تَزَوَّجُوهُنَّ عَلَى الدِّينِ؛ (ابن ماجه، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۹۳) با زنان به خاطر زیبایی‌شان ازدواج نکنید؛ زیرا ای بسا زیبایی آن‌ها موجب تباهی و هلاک‌شان شود. برای مال و ثروت نیز با آنان ازدواج نکنید؛ زیرا چه بسا مال و ثروت‌شان آنان را به طغیان و سرکشی وا دارد، بلکه بر اساس دینداری با آن‌ها ازدواج کنید». بنابراین در انتخاب همسر باید به دنبال کسی بود که برای اصول اخلاقی ارزش قائل باشد؛ زیرا کسی که امور معنوی در نظرش بی‌ارزش باشد، برای هیچ چیز دیگری نیز ارزش قائل نیست. توجه به ثروت موجب می‌شود که توجه فرد از امور اخلاقی، منش و رفتار فرد مقابل منحرف شود. وصلتی که برای پول و ثروت انجام پذیرد، به خاطر پول و ثروت نیز شکست خواهد خورد. بنابراین اگر چه پول موجب خوشبختی نمی‌شود، اما فقدان آن می‌تواند موجب بدبختی می‌شود. توجه به مال دنیا تا اندازه‌ای برای رسیدن به کمال و

آرامش لازم است و اهمیت بیش از حد به آن، موجب فنای آرامش زندگی می‌شود. (ر.ک: ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۳۸)

۲. خطای تعصب

تفاوت خطای هاله‌ای و خطای تعصب، در آن است که فرد در خطای هاله‌ای به سایر عوامل غیر از عامل مورد نظر توجه ندارد؛ اما در خطای تعصب عوامل دیگر را تا حدودی در نظر می‌گیرد و روی عامل مورد نظرش حساسیت خاصی نشان می‌دهد. (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۱) گاهی دختر یا پسر در مورد خاصی تعصب نشان می‌دهند. برای مثال نوع پوشش و حجاب دختران برای برخی پسران، معیار بسیار مهمی است تا آنجا که ممکن است فقط بر همین اساس تصمیم‌گیری کنند. (ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۴۰) پسری که برای انتخاب همسر به حجاب و چادر دختر بسیار اهمیت و حتی نسبت به آن حساسیت افراطی نشان می‌دهد و معتقد است دختر باید آفتاب و مهتاب دیده نباشد، به دیگر عوامل تأثیرگذار در ازدواج بی‌توجه است و آن‌ها را کم‌رنگ می‌بیند. (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۱) اعتقاد بیش از حد به شناخت شخصی نیز نمونه دیگری از خطای تعصب است؛ زیرا اتکای بیش از اندازه به نظر شخصی و پافشاری بر روی آن می‌تواند فرد را از دسترسی به اطلاعات بیشتر محروم کند. کسانی که خودرأی هستند و بیش از اندازه به نظر شخصی خود تکیه می‌کنند، فرصت مشورت یا سهیم شدن در تجربه دیگران را از خود می‌گیرند. (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۲۵۲) اهمیت مشورت و نظرسنجی از دیگران تا آنجاست که امام علی علیه السلام فرموده است: «الْمُسْتَشِيرُ مُتَخَصِّنٌ مِنَ السَّقَطِ؛ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۶) کسی که مشورت کند، از لغزیدن در خطاها مصون می‌ماند». بدیهی است بهره‌بردن از راهنمایی و مشورت با افراد خردمند و با تجربه، فرد را از دسترسی به اطلاعات کافی و ناب محروم می‌کند. در چنین وضعیتی تصمیم درست می‌تواند چالش بزرگی برای بیشتر مردم باشد. (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۲۵۲). گاهی فرد یا خانواده او به شناخت شخصی خویش از طرف مقابل متکی هستند و با این استدلال که نیازی به تحقیق نیست و همه چیز روشن است، از تحقیق چشم‌پوشی

کنند؛ حال آنکه ممکن است جنبه‌های متعددی از زاویه دید آن‌ها دور مانده باشد. ضمن آنکه حتی اگر اطلاعات به دست آمده از کانال‌های دیگر موجب افزایش اطلاعات فرد نشود، می‌تواند عزم او را در مسیری که برگزیده است؛ راسخ‌تر کند. (حسین خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸)

۳. خطای نادیده‌انگاری حقایق

در این خطا فرد تنها وقایعی را انتخاب می‌کند که از نتیجه‌گیری‌هایش حمایت کند و عموماً نیز نتیجه‌گیری منفی است. (فری، ۱۳۸۲، ص ۲۱۷) برخی خطاهای در نظر نگرفتن تمام واقعیت‌ها عبارتند از:

۳-۱. اهمیت رضایت دختر و پسر

اگر چه تغییرات تکنولوژی و ساختارهای اجتماعی موجب ایجاد تغییراتی در ارزش‌های فرهنگی برخی جوامع شده است، اما در ایران به دلیل نقش با اهمیت خانواده در سلامت و ثبات ازدواج افراد نه تنها نمی‌توان به سادگی نقش خانواده و والدین را در انتخاب همسر فرزندان نادیده گرفت؛ بلکه باید بر اهمیت مداخله مناسب و مفید خانواده تأکید کرد؛ (جان‌بزرگی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۹) چرا که ازدواج تنها ایجاد پیوند میان دو نفر نیست و شامل پیوند دو خانواده و سنت‌های مربوط به هر یک می‌شود. (موسوی، ۱۳۸۳، ص ۳۳)

بنابراین اگر پدر و مادر، بستگان و دوستان نزدیک نظر مخالفی درباره ازدواج فرد داشته باشند، امکان موفقیت فرد در ازدواجش نیز کاهش می‌یابد؛ (وارن کلارک، ۱۳۸۱، ص ۱۷۸) زیرا فرد با یک نفر ازدواج نمی‌کند؛ بلکه خانواده او هم جزئی از هویت اوست. ازدواج بدون تأیید خانواده را می‌توان به نوعی جهنم تشبیه کرد؛ زیرا خانواده همسر دیگر به فرد به چشم عروس یا داماد نمی‌کنند و او را به چشم رقیب می‌بینند و از به رسمت شناختن آن رابطه سر باز می‌زنند؛ زیرا تصور می‌کنند طرف مقابل فرزندشان را از آن‌ها گرفته است. در چنین شرایطی است که کارت‌ها و نامه‌ها را خطاب به فرزند خودشان می‌نویسند، هنگام تماس تلفنی فقط با فرزند خودشان صحبت می‌کنند و اگر به خانه فرزندشان بروند، رفتارشان به گونه‌ای است که گویی طرف مقابل، خدمتکار آن‌هاست. اگر درباره زندگی فرد صحبت کنند، از همسر فرزندان‌شان به عنوان «سوم

شخص» یاد می‌کنند. برای مثال می‌گویند «اگر همسرت کمی به آشپزی می‌رسید، تو اینقدر لاغر نبودی». هنگامی که فرزندشان را می‌بینند، خود شیرینی و چایپلوسی می‌کنند و به همسرش توجهی نمی‌کنند. با نوه‌هایشان به گونه‌ای رفتار می‌کنند گویی آن‌ها فقط فرزندان فرزندشان هستند. فرزندشان را تنها و بدون همسرش به میهمانی‌ها، جشن‌ها و ... دعوت و در حضور فرزندشان یا نوه‌هایشان از همسر فرزند خود انتقاد می‌کنند. (ر.ک: اثنی عشری، ۱۳۸۶، ص ۶۵) دختر و پسری که می‌خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، بهتر است افزون بر اینکه برای شناخت دقیق‌تر با یکدیگر صحبت می‌کنند، باید با اعضای خانواده خود و خانواده طرف مقابل و به‌ویژه پسر با پدر و مادر دختر، و دختر با پدر و مادر پسر گفتگو کنند و در مورد انتظارات خود از همسر فرزندشان اطلاعات کافی را کسب کنند تا هر یک از دختر و پسر با اطلاعاتی که از طرف مقابل و خانواده‌اش کسب می‌کنند، تصمیم مناسبی بگیرد. (آسایش و وکیلی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۱)

۳-۲. دیدن اشتراکات و ندیدن تفاوت‌ها

یکی از دردناک‌ترین ازدواج‌ها، ازدواج‌هایی است که در آن تفاوت‌های مذهب و دینی نادیده گرفته شود.^۱ معمولاً عقاید و باورهای مذهبی در ازدواج‌هایی که افراد بر مبنای عشق شروع می‌کنند، نادیده گرفته می‌شود و مورد بحث قرار نمی‌گیرد. طرفین بیشتر بر روی نقاط مشترک خود تمرکز می‌کنند و متأسفانه هنگامی متوجه مشکلات می‌شوند که ازدواج کرده‌اند. (اثنی عشری، ۱۳۸۶، ص ۶۸)

۳-۳. نادیده گرفتن تردیدها

گاهی ممکن است تردیدهای فرد درباره ازدواج با دیگری نادیده گرفته شود. برخی افراد که تمایلات وسواسی دارند، به دلیل وسواس همواره در تردید به سر می‌برند. از این افراد که بگذریم، بی‌توجهی به احساسات درونی و بی‌توجهی نسبت به تردیدها، اشتباه محض است.

۱. یکی از تفاوت‌های مذهبی، یکسان بودن در ظاهر است. در ایام تعطیل شما می‌خواهید در برنامه‌های مذهبی شرکت کنید، ولی او می‌خواهد به پارک، میهمانی و یا تلویزیون بپردازد. شما می‌خواهید شبکه مذهبی را تماشا کنید، او می‌خواهد فیلم مورد نظرش را تماشا کند. شما معتقدید با افرادی که به ارزش‌های دینی بهایی نمی‌دهند، نباید رفت و آمد کنید؛ ولی او... برخی افراد تعبیری که از دین دارند، یعنی خود را بیشتر پایبند به مهر، محبت و ارزش‌های انسانی می‌دانند تا یک آیین و مکتب. گاهی شما عاشق عرفان و سیر و سلوکید، در نتیجه همیشه در عرش زندگی می‌کنید؛ ولی همسران از روی فرش تکان نمی‌خورد و هیچ علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دهد. هم‌رنگ شدن هر یک از شما با دیگری، کاری سخت و طاقت‌فرساست و گاهی باعث شکست هر دو می‌شود. (اثنی عشری، ۱۳۸۶، ص ۶۸)

هنگامی که تردید وجود دارد، تا مادام که آن تردید برطرف نشود؛ نباید ازدواج کرد. باید با شناخت، زمان و پرس و جوی بیشتر بر تردیدها غلبه کرد، در غیر این صورت نادیده گرفتن تردیدها مشکلی را حل نمی‌کند. گاهی نیز بی‌توجهی به تردیدها، ناشی از اعتماد به نفس پایین است. (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۴۶)

۳-۴. نادیده گرفتن زخم‌های التیام نیافته از رابطه قبلی

شروع یک رابطه عاطفی یا عاشقانه جدید بلافاصله یا مدت کمی پس از قطع یک رابطه یا شکست عشقی، انتخابی پر خطر است؛ (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۱۸۰ و ۱۸۱) زیرا کسانی که در ازدواج‌های قبلی خود شکست خورده‌اند، کوله‌باری از احساسات حل نشده دارند^۱ و آن را همراه خود به رابطه‌ای جدید وارد می‌کنند. یکی از سؤالاتی که فرد همواره باید از خود بپرسد، این است که نسبت به همسر قبلی‌اش چه احساسی دارد؟ اگر این ملاقات یکباره به ایراد نطقی آتشین درباره اینکه همسرش چه فلان فلان شده‌ای بوده است، تبدیل شود و یا اینکه به او خیانت کرده است، پیش از آنکه ملاقات دوباره‌ای با طرف مقابلش داشته باشد، باید خوب فکر کند؛ زیرا ممکن است مقصر دانستن دیگران روزی روی او نیز اجرا شود. این امکان وجود دارد که او هنوز به میزان کافی از رابطه قبلی التیام نیافته باشد تا بتواند رابطه سالمی با فرد داشته باشد و حوادث و وقایع گذشته خود را ارزیابی کند و مسئولیت خود را در وقوع اتفاقات گذشته بپذیرد. (اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۶۷)

بنابراین افرادی که عجلانه سعی می‌کنند برای اجتناب از طعم تلخ رابطه عاشقانه گسسته به رابطه‌ای جدید پناه آورند، محکوم به شکست مجدد هستند؛ زیرا اغلب هم فرصت تسویه حساب احساسی و سوگواری برای عشق از دست رفته و هم فرصت خودشناسی و دیگرشناسی را از خود سلب می‌کنند و تحت تأثیر احساسات خود تصمیم می‌گیرند. (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۱۸۰ و ۱۸۱)

۴. خطای ناروا مسئولیت‌دهی

خطای ناروا مسئولیت‌دهی به معنای اختصاص دادن نامتناسب مسئولیت است.

۱. گذشت زمان و مشاوره و روانکاوی می‌تواند برای حل این مشکلات مفید باشد.

(فری، ۱۳۸۲، ص ۲۱۷) برای مثال برخی خانواده‌ها بر این باورند که ازدواج و انتخاب همسر، مسئله‌ای شخصی است و به همین دلیل اختیارت کامل را به دست فرزندان خود می‌دهند تا خودشان فرد مورد نظر را انتخاب کنند. تصمیم‌گیری والدین به جای فرزندان و اعمال فشار به آن‌ها برای تصمیم‌گیری خاص، روی دیگر سکه است که موجب تشدید تعارض بین فردی می‌شود. روش مناسب این است که والدین بر روند آشنایی و بررسی همه جانبه فرد مورد نظر نظارت داشته باشند و فرزندان را در تجارب خود سهیم کنند. (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۲۵۵)

۵. خطای کامل‌گرایی

خطاهایی همچون بلندپروازی در انتخاب، داشتن شخصیت وسواسی و آمادگی کامل داشتن برای ازدواج از جمله خطاهای کامل‌گرایی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۵-۱. بلندپروازی در انتخاب

برخی پسرها یا دخترها و یا والدین شان در انتخاب همسر دچار بلندپروازی و تصمیمات غیر واقع‌بینانه می‌شوند. برخی از این افراد سال‌های طولانی منتظر همسر یا داماد و عروس با ویژگی‌های منحصر به فرد و گاهی اوقات خیالی می‌مانند. بعضی دخترها یا پسرها خیال می‌کنند گوهری تک‌دانه هستند که باید با گوهر دیگری چون خود ازدواج کنند. چه بسا والدین با این تصور که دختر یا پسر من باید با دختر و پسر با فلان ویژگی‌ها ازدواج کند، صدها خواستگار یا دخترهای مناسب را قبول نکنند. این افراد معمولاً با تصورات وهمی و افکار شاعرانه و بعضی مواقع نیز با خود برتری‌بینی زندگی می‌کنند و حتی موجب می‌شوند نشاط و جوانی دختر یا پسرشان بگذرد و به جایی برسد که راضی شود با فرد نامناسب وصلت کند. (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹)

۵-۲. داشتن شخصیت وسواسی (وسواس فکری)

اهتمام به معیارهای همسر شایسته و بررسی گزینه‌های مناسب برای آن به سبب حساسیت فرهنگی و دینی اهمیت بسیاری دارد. جوانان باید درباره معیارهای همسر شایسته و انطباق معیارها بر فرد مورد نظر، دقت لازم را به خرج دهند و در عین حال نباید

دچار وسواس شوند. وسواس به معنای بی‌ثباتی فکری و یکی از آفت‌های اندیشه یا رفتار است و در صورت شدت یافتن، شخص بیمار روانی تلقی می‌گردد که باید مداوا شود. (نصیری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷) برخی دخترها اگر چه شایستگی‌های شخصیتی، موقعیت اجتماعی و زیبایی ظاهری دارند، اما با اینکه از سن ازدواج‌شان گذشته است؛ همچنان مجرد مانده‌اند و در بیان علت آن نیز می‌گویند تاکنون خواستگاران فراوانی با شایستگی‌های مختلف برای ما آمده است؛ اما خود یا خانواده‌مان به امید آمدن موردی بهتر به این خواستگاران قانع نشده و به آنان پاسخ منفی داده‌ایم و اینک کار به جایی رسیده است که تقریباً از ازدواج مأیوس شده‌ایم. پسرهای گاهی دچار وسواس زیاد می‌شوند و پرونده ازدواج‌شان با گذشت زمان و کاهش شور همسرخواهی بسته و آنان ناچار می‌شوند درد جانکاه عزب ماندن را به جان بخرند. (همان، ص ۱۳۸)

افراد وسواسی، کمال‌طلبی بیش از اندازه دارند و به دنبال کسی هستند که عاری از هر عیب و نقصی باشد. اگر بعد از مدت‌ها تلاش و مطالعه بر روی فرد مورد انتخاب، با ایرادی مواجه شوند که میل به کمال‌طلبی را در آن‌ها ارضا نکند؛ دیگر رها می‌شوند و روز از نو و روزی از نو. (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۷) دختر یا پسر باید توجه داشتند که خود آنان نیز کمال مطلق ندارند و گل‌بی‌خار تنها خداوند است. اگر صادقانه و واقع‌بینانه در روح و جسم و ویژگی‌های خود بنگرند و بپذیرند که برخی ضعف‌های جسمی، روحی، خانوادگی، علمی و شغلی در آنان وجود دارد؛ می‌پذیرند که طرف مقابل نیز به طور طبیعی همه کمالات را ندارد و به برخی از ضعف‌ها و کاستی‌ها دچار است. (نصیری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸ و ۱۳۹)

در این نگاه از سویی فرد فقط به گزینه مقابل خود نگاه می‌کند و توانایی‌ها و ویژگی‌های خود را ندیده می‌گیرد و از سوی دیگر چون بیشتر افراد دارای کمالات نیستند، در گزینشی که بر این مبنا صورت گیرد؛ رأی لازم را به دست نمی‌آورند و ازدواج شکل نمی‌گیرد؛ (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۵، ص ۶) زیرا در تصمیم‌گرفتن برای ازدواج دچار محدودیت می‌شود؛ زیرا هیچ فردی کامل نیست و برای پیدا کردن چنین فردی باید زمانی طولانی صرف شود. (ر.ک: اسدپور، ۱۳۸۵، ص ۲۹) در این نگاه فرد به دنبال مقایسه افراد مختلف با هم است و

این امر موجب می‌شود انتخاب برایش سخت‌تر شود. وقتی قرار است پسری از میان چند دختر یکی را برگزیند، نمی‌تواند قاطعانه تصمیم بگیرد. یکی از دختران زیباتر است، دیگری تحصیلات بهتری دارد، آن یکی خانواده اصیلی دارد و دیگری شغل مناسب و پسر نمی‌داند چه کند. دختران نیز به همین شیوه در انتخاب دچار مشکل می‌شوند و نمی‌توانند انتخاب درستی داشته باشند. یک پسر چهره جذاب‌تری دارد، دیگری شغل و تحصیلات مناسب، آن دیگری مال و ثروت بیشتر و دیگری نیز از خانواده‌ای اصیل و ریشه‌دار برخوردار است و دختر نمی‌داند که کدام یک را انتخاب کند. در واقع مشکل این است که هر یک واجد برخی از صفات و کمالات هستند و جمع‌بندی اینکه کدام یک بهتر از دیگران است، سخت می‌شود. (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵، ص ۶)

اگر دختر یا پسری خود را واقعاً دارای کمالات ویژه می‌داند، می‌تواند انتظار داشته باشد که طرف مقابل در زندگی مشترک با او برخی از ضعف‌های جبران‌پذیر را ترمیم کند. (نصیری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹) هنر زندگی کردن در این نیست که زن و شوهر از هر جهت موافق و مطلوب هم باشند و در میان‌شان هیچ نارسایی وجود نداشته باشد؛ بلکه هنر زندگی در این است که با سرپنجه تدبیر، صفا، محبت و ایثار، نقایص و کمبودهای جزئی و قابل اغماض در هر یک از طرفین پوشیده و تحت الشعاع صفات، ویژگی‌ها و شرایط اصلی و اساسی از آن‌ها چشم‌پوشی شود. (آسایش و وکیلی، ۱۳۹۵، ص ۷۰) در واقع ازدواج سرآغاز سیر و حرکت آدمی به سوی کمال است، نه پایان آن. (نصیری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹)

۳-۵. آمادگی کامل داشتن برای ازدواج

برخی معتقدند «تا زمانی که نتوانم به خودم به عنوان یک همسر اعتماد کنم، نباید ازدواج کنم». (اسدی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۲۹) برخی نیز به دلیل ترس از شکست تصور می‌کنند و یا دلیل می‌آورند که فرد باید از همه نظر کامل و آماده باشد تا برای ازدواج قدم بردارد، در حد یک روان‌شناس آگاهی و اطلاعات برای ازدواج را داشته باشد، از نظر جسمی بی‌عیب و نقص باشد و یا از نظر مادی در یک رفاه نسبی باشد (داشتن خانه و ماشین و شغل مناسب و ...). در این نوع تفکر حتی اگر فرد به این سطح از آمادگی برسد، چند اشکال وجود دارد. از سویی

فرد بهترین زمان برای زندگی مشترک و سنین فرزند دار شدن را از دست می‌دهد و از سوی دیگر هر چه زمان می‌گذرد، انگیزه فرد برای ازدواج کمتر و شک و تردیدش درباره ازدواج بیشتر خواهد شد و انتخاب‌هایش نیز کمتر می‌شود؛ (ساداتیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷) زیرا این اعتقاد محدودکننده و در نهایت غیرمنطقی است؛ زیرا هیچ کس کامل نیست و احساس کامل بودن به عنوان یک همسر را نخواهد داشت. اگر چه احساس آمادگی برای ازدواج ضروری است، اما شاید اشخاصی را برای تصمیم‌گیری درباره ازدواج دچار اضطراب کند. (اسدیور، ۱۳۸۵، ص ۲۹)

۶. خطای مقایسه‌های کاذب

یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات در انتخاب همسر، مقایسه فرد مورد نظر با سایرین است؛ به این معنا که افراد بخواهند دختر یا پسری را انتخاب کنند که شبیه یکی از اعضای خانواده، فامیل و بستگان باشد. چنین روشی هرگز معیار صحیحی برای انتخاب همسر نیست؛ زیرا هر فردی ویژگی‌های شخصیتی مخصوص به خود را دارد و هیچ کسی مشابه دیگری نیست. افزون بر اینکه با این کار انتخاب محدود می‌شود و امکان دارد فرصت‌های مناسب برای فرد از دست برود. در زندگی زناشویی هر کسی باید نقش خودش را به عهده داشته باشد. انتخاب همسر شبیه پدر یا مادر مهربان و یا متضاد پدر یا مادر پرخاشگر موجب می‌شود از سویی فرد نقش همسرش را به عنوان زن یا شوهر، مشابه نقش پدر و مادرش در نظر بگیرد و نتواند رابطه سالمی را با وی برقرار کند و از سوی دیگر، از توجه به سایر ویژگی‌های مثبت یا منفی وی غافل شود. البته مقایسه همیشه از طرف زوجین انجام نمی‌شود؛ بلکه ممکن است از سوی پدر و مادر نیز اتفاق افتد؛ بدین صورت که به طور ناخودآگاه همسری را برای فرزند خود انتخاب کنند که مشابه یا متضاد همسرشان باشد یا بخواهند شرایط را به گونه‌ای فراهم آورند که آرزوهای ناکام خود را در آن متجلی کنند، مانند خانمی عمری را با فقر شوهر سرکرده است و حالا می‌خواهد دخترش با فرد ثروتمندی وصلت کند. در هر حال مقایسه میان همسر فعلی فرد با دیگران اشتباه است. هر کسی که قرار است انتخاب شود، باید از فیلترهای مناسب عبور داده شود تا صلاحیتش برای فرد احراز گردد. (ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۳۴ و ۳۵)

۷. خطای خودفریبی

یکی دیگر از عوامل اثرگذار و مهم در انتخاب همسر، مسئله خودفریبی است. گاهی افراد به دلیل ترس از مواجه شدن با واقعیت ناخوشایند احتمالی، در مواقعی به طور خودآگاه و یا ناخودآگاه چشم را بر روی واقعیت‌ها می‌بندند و به نوعی خود را فریب می‌دهند. (ساداتیان، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰) خطای خودفریبی، زمانی مطرح می‌شود که دختر یا پسر عوامل ناهماهنگ تأثیرگذار را با توجیهات غیرعلمی نادیده می‌گیرد (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۳) که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۷-۱. ایجاد تغییر در آینده

باور به اینکه او را تغییر خواهیم داد، یکی از باورهای بسیار رایج و غلط است. در بیشتر فرهنگ‌ها این باور وجود دارد که ما می‌توانیم با عشق، توجه و تلاش همسر خود را تغییر دهیم. خانم‌ها مستعد پذیرش این باور غلط در زمان آشنایی و ازدواج هستند. (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۴۷) گاهی فرد هنگام انتخاب همسر واقعیت او را می‌بیند و درمی‌یابد که او کیست و چه هدفی را دنبال می‌کند، اما با خود می‌گوید او فعلاً اینجاست؛ من او را می‌گیرم و بعد آن طوری که می‌خواهم تغییرش می‌دهم تا آنچه می‌خواهم، بشود. در واقع «دیگری واقعی» را در ذهن خود به «دیگری آرمانی» تبدیل می‌کند و هنگامی که در عالم واقع «دیگری آرمانی» را در همسر خود متحقق نمی‌بیند، زندگی پر دردسر آغاز می‌شود. (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۴) در چنین رابطه‌ای عشق معطوف به خود آن فرد نیست؛ بلکه عشق معطوف به آن فردی است که فرد امیدوار است طرف مقابل به آن تبدیل شود. (میر محمدصادقی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۱) این کار، بیهوده است و انرژی جوانی را هدر می‌دهد. (شمیسا، ۱۳۹۴، ص ۲۶۵)

گاه برخی مردان در توصیه‌ها و راهنمایی‌های خود به جوانانی که قصد ازدواج دارند، می‌گویند: «برو همسر جوانی را انتخاب کن و بعد به هر نحو که خواستی، او را بار بیاور». آیا به راستی این روش همسرگزینی است؟ یا آنکه باید بر اساس واقعیت موجود فرد با او ازدواج کرد؟ (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۴) همیشه ملاک انتخاب باید تأکید بر وضعیت واقعی و فعلی فرد باشد، نه آنچه که در ذهن برای او تصور می‌کنیم و باید درصدد دریافت حقیقت باشیم؛

(همان، ص ۲۹۶) از این رو باید آنچه هست و هستیم، مورد توجه باشد (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵، ص ۵۴) برخی جوانان از مشکلات، خلاف ها و ویژگی های ناکارآمد شخصیتی طرف مقابل خود باخبرند و علی رغم اطلاع کافی از این موارد مایل به انتخاب او هستند. آن ها بر این باورند که ازدواج به تغییر کمک می کند، اما واقعیت این است که اگر چه ازدواج موفق و زندگی زناشویی لذت بخش می تواند انگیزه تغییر را در دو طرف افزایش دهد، (ر.ک: قهاری، ۱۳۹۸، ص ۱۵۶) اما ازدواج خصوصیات و ویژگی های نامطلوب را بزرگ و برجسته می کند. اگر فردی پیش از ازدواج کثیف و شلخته باشد، بعد از ازدواج نیز هم چنان کثیف و شلخته خواهد بود؛ اما بعد از ازدواج این شلختگی به صورت مشکل و معضل آشکارتر خواهد شد. (میر محمدصادقی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۶) تغییر منوط به آگاهی، تصمیم، اقدام و توانمندی لازم است. در واقع افراد باید خودشان بخواهند که تغییر کنند و از منابع و توانایی کافی برای این کار برخوردار باشند. (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۱۵۷)

۷-۲. ایجاد علاقه در آینده

ممکن است فرد نتواند برای مخالفت خود با طرف مقابل دلیلی بیاورد و در جریان خواستگاری هر اندازه تلاش می کند، نمی تواند با طرف مقابل ارتباط عاطفی برقرار و نسبت به او احساسی پیدا کند. در این حال توصیه به اینکه «با طرف مقابل ازدواج کن. در آینده به او احساس خوبی پیدا می کنی»، صحیح نیست؛ (کوشکی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲) زیرا جوانان بی تجربه حرف آنان را باور می کنند، اما پس از ازدواج نه تنها محبت به وجود نمی آید؛ بلکه هر چه بیشتر می گذرد، نفرت ها بیشتر و بدبختی ها گریبانگیرشان می شود. در چنین شرایطی اطرافیان و وعده دهندگان به دنبال خودشان رفته و این دورا با زندگی سرد و بی روح و با کوهی از مشکلات و ناراحتی ها تنها گذاشته اند. هیچ تضمینی نیز وجود ندارد که عشق و محبت بعداً به وجود آید. (اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۸۳) البته ممکن است فرد ازدواج کند و به طرف مقابل نیز علاقمند شود، اما این امکان نیز وجود دارد که چنین علاقه ای شکل نگیرد؛ (کوشکی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲) چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «مَنْ أَبْغَضَ شَيْئًا أَبْغَضَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ وَأَنْ يُذَكَّرَ عَنْهُ»؛ (شریف الرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۶۰، ص ۳۰۰) کسی که چیزی را دشمن

دارد، خوش ندارد به آن بنگرد یا نام آن نزد او بر زبان آورده شود».

دو طرف افزون بر اقدامات منطقی، عقلی و تحقیقاتی که دارند، باید نسبت به یکدیگر احساس پیدا کنند و نباید رابطه‌شان از نظر احساسی صفر باشد؛ زیرا احساسات را نمی‌توان حذف کرد. این سخن به این معنا نیست که دو طرف قبل از ازدواج هر اندازه که می‌خواهند با یکدیگر رابطه احساسی برقرار کنند؛ بلکه باید با شروع تحقیق و صحبت‌هایی که صورت می‌گیرد، حداقل احساس خوشایندی نسبت به هم، (کوشکی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲) طیب خاطر و به دل نشستن نیز وجود داشته باشد؛ اما محبت اصلی پس از ازدواج کم‌کم افزون می‌شود. (اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۸۳)

۷-۳. عادی شدن قیافه

یکی از باورهای نادرست رایج در میان جوانان و والدین، این است که «قیافه را جدی نگیر. قیافه اصلاً مهم نیست؛ چون قیافه عادی می‌شود». اگر چه معیارهای زیبایی نسبی هستند و هر کس بنا به سلیقه شخصی خود معیارهای متفاوتی دارد، اما اگر زیبایی و جذابیت جسمانی به عنوان مهم‌ترین ملاک یا تنها ملاک مد نظر قرار گیرد؛ انتخاب همسر نیز چالش برانگیز خواهد بود. البته زوج‌ها باید تا اندازه‌ای برای هم جذابیت داشته باشند و ظاهر همدیگر را بیسندند تا به ازدواج با هم رغبت پیدا کنند. اگر چه این باور که اهمیت قیافه و زیبایی در طول زندگی مشترک رنگ می‌بازد، تا حدودی درست است؛ اما چهره زیبا و جذاب به مرور عادی می‌شود، در حالی که چنین چیزی درباره قیافه زشت صدق نمی‌کند. در واقع اگر چهره‌ای از اولین روز ملاقات برای فرد جا نیفتد و به اصطلاح به دل فرد نچسبد، ممکن است فرد تا آخر این احساس ناخوشایند را با خود یدک بکشد و همواره ناراضی باشد. (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۳۹)

۸. خطای پیش‌داوری و غرض‌ورزی‌ها

پیش‌داوری و قضاوت کلی نسبت به دیگری، یکی از موانع اصلی و مهم در فرایند پردازش اطلاعات است. (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۲۷۷) پیش‌داوری درباره فرد و خانواده او چه به صورت مثبت و چه به نحو منفی، مانع دست یافتن به شناختی دقیق و مناسب می‌شود؛ زیرا آدمی

با زدن عینک رنگی به چشم، عالم را آن گونه که است، نمی بیند. «هوبل» نیز رویارویی با واقعیت را اولین گام شناخت می داند. برای روبه رو شدن با واقعیت، باید از غرض ورزی و پیش داوری پرهیز کرد. گاه آن که پیوسته دید منفی دارد، همیشه به جنبه های منفی امر توجه می کند؛ چرا که ذهنیت حاکم بر او ذهنیتی منفی (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۴-۲۷۶) و هنگام نگاه کردن به لیوانی که تا نیمه آب دارد، می گوید که نصف لیوان خالی است که به آن «قانون مورفی» می گویند. (رضائیان، ۱۳۷۴، ص ۲۶۱) اگر چنین دیدی بر فرد مستولی شود، او در انتخاب همسر مشکل خواهد داشت؛ زیرا او به خواستگاری هر کسی که برود، هرگز قادر به انتخاب نیست؛ چرا که همه را در ارزیابی منفی می یابد. (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۶). بنابراین برای داشتن انتخابی درست و گزینش بدون پیش داوری، باید به حق داوری کرد و واقع گرایی را پیشه نمود. یکی از واقع گرایان مشهور فلسفه تعلیم تربیت به نام «برودی» می گوید: «اگر حسی خطا کند، می توان با کمک گرفتن از حس دیگر به تصحیح آن پرداخت. مثلاً وقتی که با خطای چشم مواجه می شویم، آن گاه که چوب فرو رفته در آب را شکسته احساس می کنیم؛ برای اصلاح چنین خطایی می توانیم از حس لامسه کمک بگیریم و چوب را با دست لمس کنیم و چون در حین لمس کردن آن درمی یابیم که شکستگی در آن راه ندارد، پس می فهمیم که چشمان ما خطا کرده است. در اینجا لامسه به ما کمک می کند که خطای باصره را اصلاح کنیم». پس برای نجات از پیش داوری های اشتباه و غرض ورزی ها نیز می توان از دیگران کمک گرفت و با یاری آنان شناخت های ناصحیح را اصلاح کرد. (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۹)

۹. خطای خرافی

برخی پسران، دختران و والدین تحت تأثیر عقاید خرافی رایج در جامعه و یا خرافات خود ساخته، مبادرت به همسرگزینی می کنند (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۲) که هیچ ریشه دینی و عقلی ندارد. (اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۸۳) عقد دختر عمو و پسر عمو را در عرش بسته اند، اعتقاد به ازدواج با افراد مقدس مانند سید و روحانی به ویژه در خانواده های مذهبی و روحانیت و اعتقاد به استخاره بدون استشاره، (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۲) شانس و...، بعضی از

این عقاید خرافی هستند. برخی انتخاب همسر را به تقدیر و سرنوشت نسبت می‌دهند و آن را شبیه خریدن هندوانه می‌دانند که تا بازش نکنید متوجه نخواهید شد چه خریده‌اید. اگر شانس به عنوان سرنوشت محتوم در نظر شود، دیگر اختیار، تلاش، تفکر و در یک کلام هستی بی‌معنی خواهد بود؛ در حالی که اگر شانس به عنوان احتمال وقوع یک حادثه در نظر گرفته شود، هر چیزی قابل پیش‌بینی خواهد بود. برای مثال اگر فرد بداند هندوانه مورد نظر در چه شرایطی رشد یافته است، از چه بذری است و نظر دیگرانی را که از آن محصول استفاده کرده‌اند، بپرسد (همانند تحقیق درباره وضعیت خانوادگی، دوستان و...) و نیز با دقت کردن به هندوانه و توجه به رنگ و طرح پوست هندوانه (بررسی ظاهر، رفتار و افکار شخصی)، می‌تواند با ضریب اطمینان بیشتری هندوانه رسیده و مناسب‌تری انتخاب می‌کند. (ساداتیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹ و ۱۵۰)

این باور نادرست که «شانس فقط یک بار درب خانه آدم را می‌زند» نیز در میان جوانان شایع است. اعتقاد به این باور سبب می‌شود که فرد در فرایند تصمیم‌گیری تحت فشار الزام درونی «شانس» قرار گیرد؛ زیرا داشتن چنین باوری همواره این احساس را در فرد ایجاد می‌کند که «اگر قرار باشد شانس فقط یک بار دری خانه آدم را بزند، مبادا با رد کردن پیشنهاد ازدواج فرد مورد نظر شانس ازدواج را برای همیشه از دست بدهم». ترس و اجتناب حاصل از اعتقاد به این باور موجب می‌شود فرد عجولانه به موردی که شناخت کافی از وی ندارد، پاسخ گوید؛ زیرا نگران است مبادا این مورد را از دست بدهد و مورد مناسبی هم سر راهش قرار نگیرد. این در حالی است که افراد می‌توانند باور منطقی‌تر را جایگزین باور نادرست خود کنند (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۴۰) و حتی اگر شانس یک بار دری خانه را بزند، نباید تن به انتخابی دهند که صحیح و اصولی نیست.

۱۰. خطای زودباوری

یکی از مسائلی که مانع شناخت مطلوب فرد مورد نظر می‌شود، مسئله زودباوری است که می‌تواند نشانه خوش‌باوری باشد. افرادی که اهل تأمل هستند و با تحقیق و اندیشیدن خو گرفته‌اند، از زودباوری و خوش‌باوری فاصله می‌گیرند. البته اگر فرد با نیکان محصور

باشد، طبیعی است که در برخورد با آنان احساس تردید کمتری می‌کند؛ چنانکه «سقراط» حکیم معروف یونانی می‌گوید: «ما گفتار نیک مردان را باور می‌کنیم»، اما آنجا که در صدد انتخاب همسر برآمده است و با خانواده‌ای در تماس است که شناخت چندانی از آن‌ها ندارد؛ زودباوری می‌تواند مانع دست یافتن به شناسایی دقیق و عمیق گردد..

یکی از نشانه‌های زودباوری آن است که آدمی آنچه را که می‌شنود، باور کند. یک ضرب‌المثل عامیانه وجود دارد که وقتی می‌خواهند از زودباوری فردی سخن به میان آورند، می‌گویند: «اگر به فلانی بگویید که ماست سیاه است، باور می‌کند». اگر آدمی درباره فردی که قصد انتخاب او را دارد، چیزهای خوبی شنید، نباید فقط به شنیده‌ها اکتفا کند؛ بلکه باید در صدد بررسی صحت و سقم آن‌ها برآید و ببیند که آنچه گفته شده است، در رفتارهای فرد متجلی می‌شود یا نه؛ زیرا همیشه گفته‌اند: «مُشک آن است که خود بیوید، نه آنکه عطار بگوید». چه بسیار افرادی که می‌گویند: «ما چوب سادگی خود را خورده‌ایم. اگر قدری دقت کرده بودیم، امروز روزگار بدین سان نمی‌گذشت». (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷ و ۲۵۸) امام علی (علیه السلام) درباره شتابزده عمل نکردن فرموده است: «أَشَدُّ النَّاسِ نَدَامَةً وَ أَكْثَرُهُمْ مَلَامَةً الْعَجَلُ النَّزِقُ الَّذِي لَا يَذَرُكَ عَقْلُهُ إِلَّا بَعْدَ فَوْتِ أَمْرِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۶) سخت‌ترین پشیمانی و بیشترین سرزنش، دامنگیر کسی می‌شود که شتاب‌کار و بی‌فکر است و وقتی کار از کار گذشت، تازه به سر عقل می‌آید؛ یعنی غفلت‌ها، نادانی‌ها، زودباوری‌ها و ساده‌اندیشی‌ها موجبات ندامت را فراهم می‌آورد. پس اگر فرد هنگام انتخاب همسر از هشیاری و دقت کافی برخوردار باشد و از غفلت فاصله بگیرد، می‌تواند انتخاب بهتری داشته باشد. (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۸)

۱۱. خطای انتخاب یک فرد به نیت فراموش کردن یک فرد دیگر

هرگز نباید به فردی توصیه کرد که برای فراموش کردن کسی، با کسی دیگر ازدواج کند. چنین کار به معنای وارد کردن یک فرد بی‌گناه در یک آزمون و خطای خطرناک است؛ بدون اینکه خودش بداند و انتخاب کند. حال اگر فرد با کس دیگری ازدواج کرد و نفر قبلی را هم فراموش نکرد، باید چه کند؟ (عباسی ولدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶۴)

نتیجه‌گیری

خطاهای شناختی، همچون صافی هستند که موجب غربال اطلاعات دریافتی می‌شوند و بر فرایند پردازش اطلاعات تأثیر می‌گذارند و بدین سان موجب می‌شوند افراد برخی اطلاعات دریافتی را پررنگ و برخی دیگر را کمرنگ ببینند و خود را از دسترسی به اطلاعات ناب محروم کنند. افرادی که تحت تأثیر خطاهای شناختی اقدام به ازدواج می‌کنند، زمانی متوجه اشتباه خود می‌شوند که کار از کار گذشته است و گرفتار همسری شده‌اند که یا باید بسازند و بسوزند و یا راه طلاق را پیش گیرند که آسیب‌زا و شکننده است. برای مثال اگر دختر یا پسر تحت تأثیر یک عامل مبادرت به ازدواج کند و سایر عوامل را نادیده بگیرد، در فرایند انتخاب دچار خطای هاله‌ای شده‌اند. در خطای تعصب فرد عوامل دیگر را تا حدودی در نظر می‌گیرد، اما روی عامل مورد نظرش حساسیت خاص نشان می‌دهد. وقتی فرد در انتخاب همسر تنها وقایعی را انتخاب می‌کند که از نتیجه‌گیری‌هایش حمایت کند؛ یعنی فرد تمام واقعیت‌ها را در نظر نگرفته است. برخی خانواده‌ها بر این باورند که ازدواج و انتخاب همسر، مسئله‌ای شخصی است و به همین دلیل تمام مسئولیت انتخاب را به دست فرزندان خود می‌دهند تا خود آنان فرد مورد نظر را انتخاب کنند؛ غافل از اینکه با این اقدام دچار خطای ناروا مسئولیت‌دهی شده‌اند. جوانان باید درباره معیارهای همسر شایسته و انطباق معیارها بر فرد مورد نظر، دقت لازم را به خرج دهند و در عین حال مراقب باشند که گرفتار وسواس نشوند. افراد وسواسی، کمال‌طلبی بیش از حدی دارند و به دنبال کسی هستند که عاری از هر عیب و نقصی باشد و از آنجا که بیشتر افراد دارای کمالات نیستند، در گزینشی که بر این مبنا صورت گیرد؛ رأی لازم را به دست نمی‌آورند و ازدواج نیز شکل نمی‌گیرد.

یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات در انتخاب همسر، مقایسه فرد مورد نظر با سایرین است؛ درحالی که این روش معیار صحیحی برای انتخاب همسر نیست؛ زیرا هر فردی ویژگی‌های شخصیتی مخصوص به خود را دارد و هیچ‌کسی مشابه دیگری نیست. خطای خودفریبی، زمانی مطرح است که دختر یا پسر به دلیل ترس از مواجه شدن با واقعیت ناخوشایند احتمالی، در انتخاب همسر به طور خودآگاه و یا ناخودآگاه چشم را بر روی واقعیت‌ها

می‌بندند و عوامل ناهماهنگ تأثیرگذار را با توجیهات غیر علمی نادیده می‌گیرد و به نوعی خود را فریب می‌دهند. داشتن پیش‌داوری درباره فرد و خانواده او چه به صورت مثبت و چه به نحو منفی در همسرگزینی، مانع دست یافتن به شناختی دقیق و مناسب می‌گردد؛ زیرا پیش‌داوری، یکی از موانع اصلی و مهم در فرایند پردازش اطلاعات است. پسران، دختران و والدینی که تحت تأثیر عقاید خرافی رایج در جامعه و یا خرافات خودساخته مبادرت به همسرگزینی می‌کنند، باید بدانند که این عقاید هیچ ریشه دینی و عقلی ندارد.

یکی از مسائلی که مانع شناخت مطلوب فرد مورد نظر در همسرگزینی می‌شود، مسئله زودباوری است. انتخاب یک فرد به نیت فراموش کردن یک فرد دیگر در همسرگزینی، یعنی وارد کردن یک فرد بی‌گناه به یک آزمون و خطای خطرناک، آن هم بدون اینکه خودش بداند و انتخاب کند. بنابراین در انتخاب همسر باید دقت شود تا فرد دچار خطاهای شناختی نشود.

فهرست منابع

فارسی

۱. اثنی‌عشری، محمد، (۱۳۸۶ ش)، هرگز ازدواج نکنید مگر با نیمه گمشده الهی تان، چاپ دوم، اصفهان: نقش نگین.
۲. اسدی‌پور، اسماعیل، (۱۳۸۵)، «باورهای غیر منطقی در مورد انتخاب همسر». مجله روانشناسی جامعه، شماره ۳۷، از ص ۲۸ تا ۳۰.
۳. اسلامی، عبدالاحد، (۱۳۹۵ ش)، چای اول، چاپ سوم، قم: موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴. ایمانی، محسن، (۱۳۸۶ ش)، شیوه‌های شناخت و گزینش همسر، چاپ دوم، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۵. آسایش، محمدحسن و وکیلی، محسن، (۱۳۹۵ ش)، راهنمای تخصصی مشاوره پیش از ازدواج، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاهی.
۶. به‌پژوه، احمد، (۱۳۸۸ ش)، ازدواج موفق و خانواده سالم، چگونه؟، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۷. پناهی، علی احمد، (۱۳۹۰ ش)، همسرگزینی چرا و چگونه؟، چاپ اول، قم: موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۸. پورحسینی، سیدعلی، (۱۳۹۲ ش)، دو کوزه قبل از بله: آموزش‌های پیش از ازدواج، چاپ هفتم، مشهد: آهنگ قلم.
۹. جان‌بزرگی، مسعود، (۱۳۹۷ ش)، مشاوره پیش از ازدواج، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. حسین‌خانی، هادی، (۱۳۹۳ ش)، فرایند همسرگزینی، چاپ سوم، قم: نشر بنشاسته.
۱۱. حسینی بیرجندی، سید مهدی، (۱۳۹۱ ش)، آموزش و مشاوره قبل از ازدواج، چاپ دوم، تهران: آوای نور.
۱۲. داودی‌نژاد، مسلم، (۱۳۹۱ ش)، سین جین‌های خواستگاری، چاپ دوازدهم، قم: مهر فاطمه علیه السلام.
۱۳. رضائیان، علی، (۱۳۷۴ ش)، اصول مدیریت، چاپ ششم، تهران: سمت.
۱۴. ریحانی، حمید، (۱۳۸۹ ش)، شناخت و انتخاب در خواستگاری، چاپ اول، تهران: بعثت.
۱۵. ساداتیان، سیداصغر و آذر، ماهیار، (۱۳۸۹ ش)، آمادگی و شرایط لازم برای ازدواج، چاپ اول، تهران: ما و شما.
۱۶. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹ ش)، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، قم: دارالحکمه.
۱۷. شعاع‌کاظمی، مهرانگیز، (۱۳۹۸ ش)، مهارت‌های قبل از ازدواج و رضامندی بعد از ازدواج، چاپ دوم، تهران: آوای نور.
۱۸. شمیس‌ا، علی، (۱۳۹۴ ش)، همسرگزینی امروزی، چاپ اول، تهران: نسل نواندیش.
۱۹. شیخ‌الاسلامی، علی، (۱۳۹۵ ش)، اصول همسرگزینی و ازدواج موفق، چاپ اول، تهران: آوای نور.
۲۰. عباسی‌ولدی، محسن، (۱۳۹۱ ش)، نیمه دیگر، چاپ اول، قم: جامعة الزهراء علیه السلام.
۲۱. فری، مایکل، (۱۳۸۲ ش)، شناخت درمانی گروهی، ترجمه علی صاحبی و دیگران، چاپ اول، مشهد: جهاد دانشگاهی.

۲۲. قهاری، شهریانو، (۱۳۹۸ ش)، مشاوره پیش از ازدواج، چاپ نهم، تهران: نشر قطره.
۲۳. کوشکی، محمدصادق، (۱۳۹۳ ش)، سبک زندگی دینی/دفتر اول: انتخاب همسر، چاپ اول، قم: نشر معارف.
۲۴. گروه نویسندگان، (۱۳۹۱ ش)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ دوم، تهران: مدرسه.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶ ش)، میزان الحکمه، ترجمه رضا شیخی، چاپ هفتم، قم: دارالحدیث.
۲۶. ملک محمد، فخری، (۱۳۹۵ ش)، با چه کسی ازدواج کنم؟، چاپ اول، قم: قلم زنان.
۲۷. موسوی، اشرف سادات، (۱۳۸۳ ش)، خانواده‌درمانی کاربردی بارویکرد سیستمی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه الزهراء (ع.ه).
۲۸. میرمحمد صادقی، مهدی، (۱۳۹۵ ش)، آموزش پیش از ازدواج، چاپ اول، مشهد: به نشر.
۲۹. نصیری، علی، (۱۳۹۰ ش)، آیین همسرگزینی، چاپ دوم، قم: دفتر نشر معارف.
۳۰. نوکس، دیوید و اسکاج، کارولین، (۱۳۹۶ ش)، مقدمه‌ای بر ازدواج و خانواده، ترجمه کیومرث فرحبخش و دیگران، چاپ اول، تهران: آوای نور.
۳۱. وارن، نیل کلارک، (۱۳۸۱ ش)، در جستجوی عشق زندگی، ترجمه مهدی قرچه‌داغی، چاپ چهارم، تهران: اوحدی.

عربی

۳۲. ابن‌ماجه، محمد بن یزید، (۱۴۱۹ ق)، سنن ابن‌ماجه، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفة.
۳۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ش)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات.
۳۴. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع.ه).
۳۵. لبثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش)، عیون الحکم و المواعظ، چاپ اول، قم: دار الحدیث.

